

# آداب و رسوم ازدواج در اقوام ترکمن و عرب خوزستان<sup>۱</sup>

زهرة انواری<sup>۲</sup>

## چکیده

در این مقاله مراسم ازدواج در میان دو قوم ایرانی با تحلیل اسناد جمع‌آوری شده مربوط به دهه پنجاه و شصت و مقایسه مراسم با زمان کنونی، آورده شده است. برای تحلیل از رویکرد ساختارگرایانه استفاده شده و با نشانه‌شناسی نمادها و مراسم، سعی شده تا لایه‌های پنهان در ورای آگاهی جمعی به دست آید و با دیدی ژرفانگر ساخت واقعی این مراسم، ورای ظواهری که به چشم می‌آیند، مورد بررسی قرار گیرند. هر دو قوم عرب و ترکمن نسبت به گذشته خود تغییر کرده‌اند و این تغییرات در میان آنان به طرف تنوع‌زدایی یا یکسان‌شدگی حرکت کرده است. این تغییرات به گونه‌ای است که دیگر کمتر می‌توان ویژگی‌هایی را برای مناسک و آداب ازدواج در میان اقوام برشمرد.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج، ساختارگرایی، مناسک، اعراب، ترکمن

۱. این مقاله از گزارش پژوهشی با عنوان «بررسی آداب و رسوم ازدواج در میان اقوام ایرانی» تهیه و تنظیم شده است. به علت پرداختن به آداب ازدواج در میان اقوام آذری، بلوچ، لر و کرد در شماره ۱۳، مطالب مربوط به این اقوام از مقاله حذف شدند. (م.)
۲. کارشناس ارشد مردم‌شناسی

### مقدمه

در زندگی انسان مراحل حساسی وجود دارد که باعث گذار او از یک وضعیت به وضعیت دیگر می‌شود. جهت تثبیت این گذار، مناسکی انجام می‌شود. «وان جنپ» این مناسک را «مناسک گذار» نامیده است؛ از این رو این مراحل را «بحران‌های زندگی» نیز نامیده‌اند. (فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۶۱)

رسیدن به سن بلوغ و گذار از دوران کودکی به دوران جوانی یکی از این مراحل است. در اقوام مختلف دنیا برای گذار از این مرحله، آیین‌های متفاوتی برگزار می‌شود؛ ازدواج از جمله این مناسک است. مراسم ازدواج که در اقوام مختلف به شکل‌های متفاوتی برگزار می‌شود، پیوند زناشویی بین دختر و پسر را به جامعه اطراف آن‌ها ابلاغ می‌کند به طوری که آن‌ها می‌توانند رابطه‌ای که تا قبل از ازدواج نامشروع محسوب می‌شد را به رابطه‌ای مشروع و در چارچوب قوانین اجتماعی تبدیل کنند. خانواده جزء نهادهای پایه‌ای جامعه است که با مراسم ازدواج آغاز می‌شود. ازدواج و رابطه زناشویی مقبول‌ترین شکل اجتماعی برای رابطه دو جنس و تولید مثل و ارضای غرایز و پرورش کودکان در اکثر فرهنگ‌ها و ادیان است. (حقی، ۱۳۷۶: ۵۳) مناسک عروسی و ازدواج یک رابطه زیست‌شناختی را به رابطه‌ای انسانی و اجتماعی و متفاوت از بقیه موجودات زنده تبدیل می‌کند. به همین دلیل مسأله ازدواج علاوه بر جنبه زیست‌شناختی، جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز دارد.

در این مقاله به تفاوت‌ها و شباهت‌های مراسم ازدواج در میان دو قوم ایرانی در گذشته و حال خواهیم پرداخت تا بتوانیم میزان یکسان‌شدگی یا ایجاد تنوع و دور شدن این مراسم را در طول زمان بررسی کنیم.

### ادبیات نظری

ساخت یا ساختار، به عنوان چارچوب متشکل پیدا یا ناپیدایی هر چیز، عبارت از نظامی است که در آن، همه اجزای یک مجموعه در پیوند با یکدیگرند و در کارکردی هماهنگ، کلیت اثر را می‌سازند و موجودیت کل اثر در گرو همین کارکرد هماهنگ است. برخی ساختار را به قوانین ثابت و لایتغیری که در همه سطوح زندگی انسانی از

شکل بدوی تا پیشرفته مدخلیت دارد، تعریف کرده‌اند. از دیدگاه لوی اشتراوس، ساختار یعنی مدل‌های ذهنی اندیشمندان که به وسیله آن می‌توان به ساخت‌های نهفته اجتماع پی برد. برخی از ساختارگرایان ساختار را به امر واقعی و برخی دیگر آن را به امر انتزاعی و مفهومی ذهنی تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد، در تعریف اشتراوس ترکیبی از همبستگی اجزای یک مجموعه با هدف معین (مفهومی اعتباری و ذهنی) مد نظر باشد.

لوی اشتراوس از جمله ساختارگرایانی است که ازدواج را پدیده اصلی در تشکیل ساخت‌های خویشاوندی می‌داند. در واقع وصلت ساخت اجتماعی مشروعیت یافته به وسیله رسوم را اصلاح می‌کند. (ریویر، ۱۳۷۹: ۱۰۰)

در این دیدگاه ازدواج به عنوان یک پدیده اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در بررسی پدیده اجتماعی ابتدا باید آن را به عناصر تشکیل دهنده آن بازگرداند و سپس به بازسازی نظری آن‌ها در قالب یا الگو اقدام نمود. ناگفته پیداست که این دیدگاه در بررسی و تحلیل پدیده اجتماعی نگاهی ساخت‌گرایانه دارد و در آن هر پدیده اجتماعی را می‌توان در دو سطح مختلف مورد مطالعه قرار داد: نخست می‌توان وضعیت‌های فردی را مورد بررسی قرار داد و دست به ساختن الگوهای به اصطلاح مکانیکی زد و از سوی دیگر با ثبت تکرار یک پدیده در یک دوره خاص، در یک یا چند جامعه و در انواع مختلف گروه‌ها و جز آن دست به ساختن الگوهای زد که سرشت آماری دارند. (توسلی، ۱۳۷۹: ۱۶۴) این سطوح، این امکان را فراهم می‌آورند که الگوهای ساخته شود که به کمک آن‌ها بتوان علاوه بر اینکه انواع یک پدیده اجتماعی را در جوامع مختلف بازشناخت، انواع متفاوت پدیده‌های اجتماعی را مورد مقایسه قرار داد. لوی اشتراوس پس از تعریف و بسط مفهوم ساخت، این مبحث را با توضیح ساخت خویشاوندی روشن می‌سازد و بیان می‌کند که مردم‌شناس یا جامعه‌شناسی که همسرگزینی را در داخل یک جمعیت معین مورد مشاهده قرار می‌دهد، به استخراج مجموعه‌ای از قواعد ازدواج که مردم مدعی آن هستند، نائل می‌شود. این قواعد الگویی توصیفی را تشکیل می‌دهد و هنجارها و معیارهای جامعه مورد مطالعه را آشکار می‌سازد. (همان: ۱۶۵)

از منظر ساختی برای شناخت کامل یک پدیده اجتماعی باید به لایه‌های پنهان که در ورای آگاهی جمعی وجود دارد دست یافت؛ به عبارتی برای درک ساخت واقعی یک پدیده باید ورای ظواهری که به چشم می‌آیند، عمل کرد و این کار توسط روش ژرفانگر مردم‌شناسان قابل حصول است. شاید اشتباه انسان‌شناسان سنتی این بوده است که تنها اجزا را در نظر می‌گرفتند و رابطه میان آن‌ها را از قلم می‌انداختند اما با رخنه به الگوهای قابل مشاهده - منابع اسنادی موجود- و فراتر رفتن از آنها می‌توان پیوندهای مهم و اندامی میان آن‌ها را نشان داد.

به طور کلی در جوامع ابتدایی ازدواج نوعی مبادله بود که می‌توانست پیوندهای لازم را میان دو یا چند گروه ایجاد کند. (فکوهی، ۱۳۸۲: ۱۸۹) به عنوان مثال ازدواج درون همسری و برون همسری الگوهای دیگر خویشاوندی‌اند که در آن اقوام مختلف تصمیم می‌گیرند که بین خودشان تبادل زناشویی صورت گیرد یا در حالت دوم بین دو گروه مختلف. مثلاً ازدواج دختر عمو و پسر عمو در بعضی جوامع اجباری است درحالی که در جوامع دیگر تابو شمرده و نفی می‌شود.

نقطه حرکت این تفکر وجود فرایندها و مکانیسم‌های مشابه در اندیشه انسان است. این فرایندها، در خارج از زمان و مکان قرار می‌گیرند یعنی در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت تغییر نمی‌کنند. (همان: ۱۸۷) بنابراین می‌توان با بررسی ساختارگرایانه به مفاهیم ذهنی دیگری که در ساختارهای عمیق فرهنگی وجود دارد دست یافت.

قواعد ازدواج در چارچوب کلی مفهوم ساخت بیانگر این حقیقت است که پدیده‌های اجتماعی از این دست علی‌رغم تفاوت‌های برونی می‌توانند ساخت همانندی داشته باشند و اندکی دقت در این پدیده‌ها می‌تواند ما را به ساخت مشترک و بنیادی آن‌ها رهنمون کند و این هدف اصلی مردم‌شناسانه در بررسی و مشاهده جامعه مورد نظر می‌باشد: کشف ساخت مشترک پدیده‌های بنیادی و پایه‌ای جامعه که در مجموع فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهند. طبقه‌بندی مراسم و قواعد ازدواج یکی از مهم‌ترین روش‌ها در راه نیل به این مقصود متعالی فرهنگی است.

به طور کلی در نزد برخی انسان‌شناسان خانواده مجموعه‌ای از روابطی است که در پس ظواهر زندگی عادی وجود دارد و با این حساب می‌توان گفت که وجود این گونه

روابط، ذاتی هر جامعه‌ای است و نقطه انفصال جوامع از طبیعت و اتصال به فرهنگ است. البته در حال حاضر این روابط ممکن است تفاوت‌هایی را شامل شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق کند. ولی اینکه چند و چون این روابط به چه صورتی است ناشی از امکاناتی است که در دسترس برقرار کنندگان آن روابط می‌باشد. در حقیقت نظام خویشاوندی یک نظام تفکری است که اشیاء و رویدادهای پیرامون، آن را شکل می‌دهند. با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که خویشاوندی یک رفتار اجتماعی است تا یک واقعیت زیست‌شناختی و نیز خویشاوندی فرهنگی است نه طبیعی.

طبیعت به عنوان حوزه‌ای کلی، خودجوش و خودسامان که وابسته به هیچ نظام هنجاری نیست و فرهنگ حوزه‌ای وابسته به منظومه‌ای از هنجارهای انتظام بخش است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند. (بشریه، ۱۳۷۹: ۸) فرهنگ امری متأخر است و طبیعت امری متقدم. ما انسان‌ها در وهله اول به عنوان آدمیزاد جزئی از طبیعتیم و به عنوان انسان جزئی از فرهنگی خاص هستیم. طبیعت، به این معنی است که هیچ‌گونه دستکاری در محیط انجام نداده‌ایم. هر چه جامعه‌ای کمتر تغییر کرده باشد به طبیعت نزدیکتر به نظر می‌رسد و دور شدن انسان از طبیعت، فرهنگ را که مجموعه‌ای از نظام‌های ساختمند است، به وجود آورده است. آنچه انسان را می‌سازد بعد فرهنگی است که در آن زبان نقش مسلط را دارد. کلید فهم زندگی اجتماعی عبارتست از ساختارهای نمادین خویشاوندی، زبان و مبادله و نه زیست‌شناسی. در واقع نظام‌های خویشاوندی طبیعت را مهار می‌کنند، آنها پدیده‌های فرهنگی هستند و گذر از طبیعت به فرهنگ را ممکن می‌سازند. (لچت، ۱۳۷۷: ۱۲۰-۱۱۹)

در مقاله حاضر مراسم ازدواج در میان دو قوم ایرانی عرب و ترکمن در گذشته و حال با در نظر گرفتن نظریه ساختارگرایی بررسی شده است.

### مراسم ازدواج در میان قوم عرب

در گذشته ازدواج در میان قوم عرب غالباً در سنین پایین‌تر از ۱۸ سال و به صورت درون گروهی و فامیلی انجام می‌گرفت. در مورد دختران گاهی قبل از ۱۲ سالگی نیز اتفاق می‌افتاد که این امر بیشتر به علت روابط نزدیک و تنگاتنگ خانواده‌ها و وجود

عرف‌های عشایری بود. ازدواج از نظر عشایر خوزستان مزایای زیادی داشت و دارد از جمله این مزایا تداوم نسل، بهره اقتصادی، دور ساختن جوانان از فساد اخلاقی، تقویت نیروی جنگ و دفاع از خانواده و طایفه، استحکام روابط دوستانه بین خانواده‌های همسران، ازدیاد ایمان زن و شوهر و احساس مسئولیت بوده است. (پورکاظم، ۱۳۷۵: ۴۰)

در حال حاضر نیز سن ازدواج عموماً در میان عرب‌ها پایین است مخصوصاً برای دختران که بعضی دلیل آن را وضعیت مناسب فیزیکی دختران عرب و آمادگی برای ازدواج و پایین بودن سن بلوغ در میان آنان می‌دانند. به طور کلی ازدواج در گذشته در میان عرب‌ها چه در شهر و چه روستا و چه عشایر بر مبنای قبیله انجام می‌گرفت و نظارت نظام خویشاوندی بر آن بسیار شدید بود به طوری که رئیس قبیله و ریش سفیدان در این مسئله دخالت می‌کردند. در حال حاضر به دلیل نبود سیستم سلسله مراتب عشایری و قبیله‌ای به شکل سابق، تغییراتی را می‌توان در این مراسم مشاهده کرد به طوری که شاید یکجانشین شدن جوامع عرب عشایر و تغییر سبک زندگی به این تغییرها دامن زده باشد ولی نمی‌توان علت این تغییرها یا تأثیر مسائلی چون شهری شدن را عامل دقیق معرفی کرد. در این تحقیق منظور از قوم عرب، عرب‌های مقیم خوزستان می‌باشد.

در گذشته در میان قبایل عرب خوزستان انتخاب همسر تقریباً توسط ریش سفیدان و بزرگان تعیین می‌شد و تقریباً دختر و پسر نقشی در انتخاب همسر خود نداشتند زیرا شرایط ازدواج درون همسری بود و در صورت برون همسری از قبیله خود طرد می‌شدند. بنابراین ازدواج به شکل «اجباری» یا «ناف بریده» و «فامیلی» بسیار رواج داشت و اگر در مواردی برون همسری اتفاق می‌افتاد باید به تأیید رئیس قبیله می‌رسید که در غیر این صورت آن خانواده مشمول «قانون نهوه» می‌شد. طبق این قانون خانواده مورد نظر از ارث و دیگر مزایای خانوادگی محروم می‌شد و حتی مجبور بود جریمه‌های سنگینی بپردازد مثلاً گاهی این افراد را مجبور می‌کردند تا همسران خود را طلاق دهند؛ بنابراین معمولاً رئیس قبیله چنین اجازه‌ای را صادر نمی‌کرد. دلیل پافشاری بر ازدواج‌های فامیلی نگه داشتن انسجام فامیلی و قبیله‌ای و همچنین عدم اختلاط خون

دو قبیله بود که معمولاً برای زمان جنگ بین قبایل کارکرد داشت؛ زیرا اگر دختری به قبیله دیگر داده می‌شد و جنگی با آن قبیله در می‌گرفت فرزندان او به طرف خاندان پدری خویش می‌رفتند و در نتیجه به ضرر قبیله بود. بر این اساس ازدواج در میان قوم عرب بسیار درون‌همسری بود و اغلب پسرها نقشی در انتخاب همسر نداشتند و دخترها نیز هیچگاه نمی‌توانستند در مقابل ازدواج با فرد ناخواسته مخالفت کنند؛ به عبارت دیگر حق انتخاب وجود نداشت. در این میان ازدواج دختر عمو و پسر عمو بسیار شایع بود. میزان اختیار در انتخاب همسر چنان بود که پسران قبیله حق داشتند از ازدواج دختری که از زمان کودکی برای‌شان در نظر گرفته بودند جلوگیری کنند.

اعراب خوزستان ازدواج «هم خون» را مایه پاکی خون، نگهدارنده اصالت و منتقل‌کننده صفات عالیہ اجدادی به نسل‌های جدید می‌دانستند. برای تحقق این اهداف معمولاً به ازدواج قوم و خویش نزدیک بخصوص دختر عمو با پسر عمو اهمیت بیشتری داده می‌شد.

در نظام ازدواج عرب‌ها، ازدواج با بیگانه تابو محسوب می‌شد. آنان معتقد بودند ازدواج برون‌گروهی سبب از بین رفتن پاکی خون و لوث شدن اصالت نسب می‌شود. همچنین بعضی معتقد بودند که اصل و نسب آنان نسبت به دیگران عالی‌تر و متمایزتر است پس نباید دختران خود را به آنان بدهند. در سال‌های اخیر تحولاتی رخ داده که شاید این تحول‌ها در میان برخی خانواده‌ها شامل حال دختران نشده است مثلاً در حال حاضر پسرها می‌توانند با دختران مورد علاقه خود حتی اگر غیر عرب باشند ازدواج کنند. اما این شرایط در مورد دختران کمتر اتفاق می‌افتد و تنها در موارد خاصی دیده شده است مانند هنگامی که آن دختر اصلاً از میان خویشانش خواستگاری نداشته و فامیل به اتفاق با ازدواج او با فرد مورد نظر رضایت داده‌اند یا زمانی که دختر دارای تحصیلات عالی مانند پزشکی و امثال آن باشد و در این صورت شوهر هم کفوی از نظر علمی در فامیل خود نیابد.

در گذشته ازدواج برون‌گروهی اغلب مصلحتی بود مثلاً به خاطر ایجاد رابطه دوستی، نزدیکی و برای ایجاد حسن رابطه با قبیله همپراز خود انجام می‌گرفت. گاهی هم برای ایجاد صمیمیت یا اعلام وابستگی و انقیاد صورت می‌گرفت.

علاوه بر این نوع ازدواج‌ها، ازدواج «تبرک» هم وجود داشت که اساس آن بر سنت نذر بود. به این ترتیب که والدین دختر او را نذر خانواده سادات می‌کردند مثلاً در دشت آزادگان بعضی خانواده‌های سادات مثل مرحوم سید عرب سید جابر از مشاهیر سادات و مهمان‌نوازان معروف خوزستان بود که مردم، دختران خود را نذر او می‌کردند. سید هم غالباً آنان را آزاد می‌کرد و در این صورت دختران می‌توانستند با غیر فامیل ازدواج کنند. عشایر هم به خاطر حرمت نذر و احترام سید مانع از ازدواج آنان با دیگری نمی‌شدند.

در سال‌های اخیر با گسترش علم و دانش و بالاتر رفتن سطح آگاهی مردم، افراد متوجه شده‌اند که بسیاری از بیماری‌های جسمی و روانی در اثر وراثت و ژن‌ها به فرزندان منتقل می‌شود. این امر باعث شده تا بعضی افراد از ازدواج درون‌گروهی خودداری کنند و به انتخاب همسر از خارج فامیل اقدام کنند و چون طبق رسم اجتماعی نهوه نمی‌توانستند از طوایف عرب دیگر زن بگیرند پس ناچار شدند از اقوام غیر عرب زن برگزینند. (پورکاظم، ۱۳۷۵: ۵۸-۷۳)

همچنین قوانینی در میان قوم عرب وجود داشت که در گذشته به شدت رعایت می‌شد و هم‌اکنون نیز با وجود شهرنشینی و یکجانشینی گاهی به همان شیوه قدیمی و با همان قوانین عرفی سابق مسائل خود را حل می‌نمایند. از جمله این قوانین، «آیین فصل» است که شبیه «خون بس» در میان اقوام دیگر می‌باشد. در برخی موارد دیده شده که دادگاه‌های خوزستان موارد پیچیده را به عرف عشایری واگذار کرده‌اند تا حل و فصل شود. یکی از جنبه‌های آن هم «فصل زن» است که البته اخیراً کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است. در این رسم خانواده قاتل مجبور بودند به عنوان دیه فرد مقتول یک یا دو یا حتی چند زن را به عقد برادران یا پسرعموهای مقتول درآورند تا ظاهراً میان دو خانواده قاتل و مقتول پیوند خونی ایجاد کنند و در واقع زنان در این میان قربانی می‌شدند. این زنان نباید بیوه می‌بودند و معمولاً یکی از دخترها حتماً به برادر، فرزند یا پسر عموی مقتول داده می‌شد و دخترهای دیگر به افراد عشیره مقتول اختصاص می‌یافت. مهریه و جهیزیه این دختران به عهده عشیره قاتل بود. آیین دیگر در میان عرب‌ها «فصل هتک ناموس» بود. در این آیین در صورتی که پسر با جواب منفی برای



ازدواج با دختری مواجه می‌شد و دختر را می‌ربود، مشمول قانون فصل هتک ناموس می‌شد و باید مبلغی را به عنوان فصل که میزان آن بر اساس پول و ارزش رایج متغیر بود به عشیره می‌پرداخت. (عزیزی بنی طرف، ۱۳۷۲: تلخیص)

امروزه نیز حق انتخاب در میان برخی تا حدودی مانند گذشته به وسیله قبیله تعیین می‌شود ولی حق ازدواج برون‌گروهی بویژه بین افراد تحصیل کرده بیشتر شده است. در سال‌های دهه هشتاد نسبت به گذشته تغییراتی در مرحله انتخاب همسر روی داده است که از جمله آن می‌توان به ازدواج برون‌گروهی اشاره کرد البته هنوز ازدواج‌های درون‌گروهی دیده می‌شود و عده‌ای ناف بریده هم هستند و پدران دختر و پسر با هم فامیل می‌باشند. از تغییرات دیگر موافقت نسبی دختر و پسر است که در گذشته اصلاً مرسوم نبود و دختر و پسر به هیچ عنوان یکدیگر را تا شب عروسی نمی‌دیدند و فقط برای آن‌ها طرف مقابل را توصیف می‌کردند ولی امروزه پس از موافقت خانواده‌ها پسر را برای دیدن دختر به مراسم خواستگاری می‌برند. همچنین گاهی اوقات خانواده دختر برای دیدن وضعیت داماد آینده خود و خانواده‌اش به خانه آنان می‌روند که در گذشته معمول نبود.

در گذشته، مهریه توسط ریش‌سفیدان تعیین می‌شد و ریش‌سفیدان بر سر مهریه چانه می‌زدند و در نهایت باید تمام مبلغ مهریه یا حداقل نصف آن به پدر دختر داده می‌شد که او با این میزان وسایل لازم و جهیزیه برای عروس و داماد تهیه می‌کرد.

امروزه جلسه خواستگاری جنبه تشریفاتی دارد و برای احترام به بزرگان و دیگر اعضای فامیل و همچنین برای علنی کردن خواستگاری است. مبلغ مهریه توسط دو خانواده توافق و به پدر دختر داده می‌شود؛ اگر ازدواج درون‌گروهی باشد میزان مهریه کم است ولی اگر برون‌گروهی باشد میزان مهریه بیشتر است.

نکته قابل توجه دیگر این است که چه در گذشته و چه امروزه شیربها و مهریه به طور جداگانه از داماد گرفته نمی‌شود. شاید بتوان دلیل نگرفتن شیربها توسط پدر عروس از داماد را درون‌گروهی بودن ازدواج دانست؛ چون دختر با پسرعموی خود یا یکی از فامیل خود ازدواج می‌کرد و احتمال طلاق بسیار کم بود. مهریه در میان اعراب شباهتی به این موضوع در میان اقوام دیگر نداشت و آن‌چه به عنوان مهریه گرفته می‌شد

شبیبه به شیربها در اقوام دیگر بود که آن هم برای تهیه جهیزیه و اسباب و وسایل عروس گرفته می‌شد و چیزی به پدر عروس نمی‌رسید زیرا دختر به عنوان نیروی کار یا عامل مبادله به گروه‌های دیگر داده نمی‌شد و در نتیجه پدر نیز چیزی به جای دخترش از داماد دریافت نمی‌کرد.

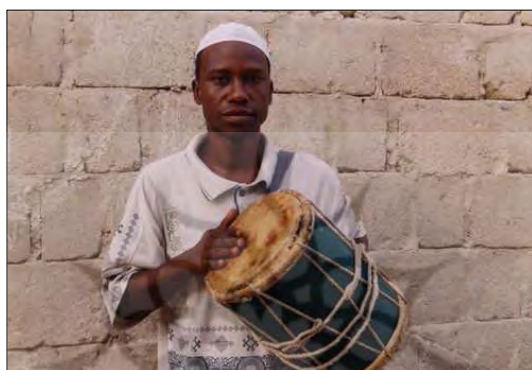
در گذشته به جای حلقه نامزدی که امروزه متداول شده است اعراب از نیشان «nišân» یعنی علامت خواستگاری استفاده می‌کردند؛ دو سه روز پس از خطوبه «xatube» یا خواستگاری، خانواده پسر مقداری البسه و لوازم مقدماتی مانند بشت «bašt» (عبا)، حنا، شانه، کیسه حمام، آینه، عطر یا بخور و چند پیراهن و پیژامه را خریداری می‌کردند و توسط مادر پسر و چند زن دیگر از فامیل او برای دختر خواستگاری شده می‌بردند. دختر نیشان شده تا شب زفاف حق دیدن شوهر خود را نداشت؛ به ندرت داماد هنگام تحویل نیشان خواستگاری در منزل دختر حضور داشت و در صورت چنین وضعیتی او در اتاق نشیمن مردان باقی می‌ماند. در تهیه و خرید نیشان غالباً دختر و خویشان او هیچ دخالتی نداشتند و این وسایل طبق نظر و خواست خانواده پسر و به خرج آنان تهیه می‌شد. در گذشته جهیزیه دختران شامل لوازم خواب و یک صندوق چوبی بود که توسط خانواده‌اش خریداری می‌شد.

امروزه رسم نیشان بردن وجود دارد ولی به جای نیشان، دختر و پسر حلقه نامزدی رد و بدل می‌کنند. در ازدواج‌های فامیلی معمولاً تشریفات کمتر دیده می‌شود و مهریه را بسیار پایین در نظر می‌گیرند. معمولاً مهریه را به دو قسمت تقسیم می‌کنند؛ مبلغی را برای خریداری طلا اختصاص می‌دهند و از بقیه آن وسایل ضروری تهیه می‌کنند. در ازدواج‌های فامیلی چون مهریه کم است جهیزیه هم بسیار ناچیز گرفته می‌شود. لباس‌های لازم برای عروس نیز معمولاً علاوه بر مهریه به وسیله خانواده پسر تهیه می‌شود. در ازدواج‌های برون‌گروهی، داماد علاوه بر خرید لباس عروس معمولاً به زنان فامیل عروس هم پیراهن‌هایی تحت عنوان خلعت هدیه می‌دهد و باید جهیزیه‌ای علاوه بر آنچه عروس می‌آورد هم تهیه کند.

بنابراین به خوبی می‌توان تفاوت ازدواج برون‌گروهی و درون‌گروهی را در میان عرب‌ها مشاهده کرد و مورد بررسی قرار داد. در ازدواج درون‌گروهی مبادله‌ای صورت

## آداب و رسوم ازدواج در اقوام ترکمن و عرب خوزستان ❖ ۴۵

نمی‌گیرد؛ مهریه و جهیزیه کم در نظر گرفته می‌شود، عروسی ساده برگزار می‌شود و محل اقامت جداگانه از داماد خواسته نمی‌شود. اما در ازدواج برون‌گروهی همه موارد از داماد خواسته می‌شود و داماد هم باید آن را تهیه کند. در ازدواج درون‌گروهی پسر نزد پدر می‌ماند و معمولاً پدرمکان هستند تا موقعی که بتوانند از لحاظ مالی از خانه پدری جدا شوند و در نهایت هم پسر اول، با پدر و مادر خود می‌ماند و بقیه از پدر و مادر جدا می‌شوند.



در گذشته حنابندان ساده برگزار می‌شد اما امروزه برای حنابندان جشن می‌گیرند و عروس، لباس سبز مجلسی می‌پوشد و حنا در طبق می‌گذارند و به همه تعارف می‌کنند. کف دست عروس اسکناسی می‌گذارند که رویش حنا قرار داده‌اند. این مراسم در منزل پدر عروس و شب قبل از عروسی برگزار می‌شود و همه به شادی و پایکوبی می‌پردازند.

اعراب خوزستان به مراسم عروسی زفاف می‌گویند. مهمترین ویژگی این مراسم زیبا در گذشته شرکت و مشارکت در برگزاری مراسم عروسی بود؛ بر روی رودخانه بلم می‌گذاشتند و عروس را با بلم به خانه داماد می‌بردند. این شکل باعث می‌شد که همه اهالی روستاها و جمعیت بین راه شاهد این مراسم باشند و در جشن عروسی شرکت کنند. همچنین «زوافیف» (مردانی که عروس را با بلم به خانه داماد می‌برند) بین خانواده‌های یک عشیره تقسیم می‌شدند و هر کدام از اعضای عشیره از چند تن از آنان پذیرایی می‌کرد. این امر باعث می‌شد که همه در مراسم عروسی شرکت کنند و خود را

در این مراسم شریک بدانند. اعضای یک عشیره همه با هم فامیل بودند و بنابراین این مراسم بدینوسیله از حالت انفرادی به مراسمی اجتماعی تبدیل می‌شد به طوری که همه این مراسم را متعلق به عشیره خود می‌دانستند نه متعلق به یک فرد یا یک خانواده. در این قسمت حضور ساختار قابل مشاهده است؛ یک فرد به تنهایی و بدون گروهی که به آن متعلق است معنا نمی‌یابد. بعد از این که عروس به خانه داماد می‌رسید به استقبال او می‌آمدند و جلوی او مرغ یا گوسفند قربانی می‌کردند که به آن «فیده» می‌گفتند. در گذشته با ورود عروس به خانه داماد اعمالی توسط داماد در حضور دیگران انجام می‌شد که نشانه تحت فرمان بودن زن و فرمانروایی مرد بود اما امروزه این عمل را انجام نمی‌دهند.

### مراسم ازدواج در میان قوم ترکمن

ترکمن‌ها در قسمتی از استان گلستان متمرکزند و داده‌های مورد نیاز در این مقاله از مناطق ترکمن‌نشین این استان جمع‌آوری شده است. ترکمن‌ها در قوانین عرفی تفاوت‌هایی با اقوام دیگر دارند. در این قوم نیز تفاوت چندانی میان قوانین حاکم بر مراسم ازدواج در شهر، روستا یا عشایر مشاهده نمی‌شود. در گذشته مرحله انتخاب همسر شرایط خاصی داشت که همه ملزم به رعایت این شرایط در هنگام انتخاب همسر بودند؛ دختر و پسر هیچ دخالتی در این امر نداشتند و باید از این قوانین پیروی می‌کردند. ترکمن‌های ایرانی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ قل «qol»ها و ایگ «ig»ها ترکمن‌ها ایگ‌ها را نژاد اصیل و برتر می‌دانند و این گروه در گذشته به قل‌ها دختر نمی‌دادند. در گذشته ترکمن‌ها دختران و پسران خود را زود عروس و داماد می‌کردند و سن ازدواج پایین بود و زمان ازدواج را برای دختر و پسر زمان بلوغ می‌دانستند. از معیارهای دیگر انتخاب همسر توانایی دختر در بافت قالی بود به طوری که زنان مسن و بیوه از ارزش بیشتری برای ازدواج برخوردار بودند زیرا تجربه کار بیشتری در این زمینه داشتند. بنابراین معیارهای انتخاب همسر یکی اصالت نژاد و دیگری میزان تجربه کاری دختر

بود که بر اساس آن پدر و مادر یا یکی از ریش‌سفیدان دختری را برای پسر تعیین می‌کرد.

امروزه تغییرات محسوسی در مرحله انتخاب همسر دیده می‌شود؛ مثلاً تفاوت نژادی چندان اهمیتی ندارد و در واقع دایره درون‌همسری بزرگتر شده و شعاع آن از دو طایفه ایگ و قل به ترکمن و حتی غیر ترکمن افزایش یافته و همچنین میزان دخالت دختر و پسر هم در انتخاب همسر نسبت به گذشته بیشتر شده است. این مورد بستگی به خانواده‌ها دارد؛ برخی کاملاً سنتی عمل می‌کنند و برخی هم با انتخاب آزاد دختران در انتخاب همسر مشکلی ندارند. ترکمن‌ها برای انواع دیگر ازدواج هم شرایط خاص خود را داشتند و در حالت‌های غیر از ازدواج معمولی قوانین خاصی را اعمال می‌کردند. از جمله آن ازدواج مرد بیوه بود که اجازه نداشت با دوشیزه‌ای ازدواج کند و باید از میان زنان بیوه همسری را انتخاب می‌کرد. زن هم هنگامی که بیوه می‌شد باید به خانه پدرش باز می‌گشت و مردی بیوه با مهریه‌ای دوبرابر دوشیزگان به خانه پدرش می‌آمد و مهریه را به پدر می‌داد و با او ازدواج می‌کرد. شرایط برای کسانی که زنشان فوت می‌شد بسیار سخت‌تر از مجردها بود. اگر زنی دوبار شوهرش فوت شده بود مهریه‌اش سه برابر دختران بود و از ارزش بیشتری در میان جامعه ترکمن‌ها برخوردار بود. چندزنی در میان ترکمن‌ها امری عادی محسوب می‌شد و برای آن هم مراسم خاصی وجود داشت. مردان می‌توانستند تا چهار زن بگیرند و مهریه زنان دوم و سوم و چهارم به ترتیب، دو، سه و چهار برابر زن اول بود ولی بعد از ازدواج همچنان زن اول، رئیس و فرمانروای خانه بود و بقیه زنان باید از او فرمانبرداری می‌کردند.

امروزه به علت تغییر نظام اقتصادی در خانواده، زنان مانند گذشته به عنوان نیروی کار در نظر گرفته نمی‌شوند و به همین علت چند زنی مانند گذشته رواج ندارد. «لویرات» از دیگر انواع ازدواج بود؛ اگر زنی شوهرش را از دست می‌داد برای اینکه برادر شوهر مهریه‌ای دو برابر بابت او ندهد خانواده شوهر اجازه نمی‌دادند او به خانه پدرش برود و زن بیوه مجبور بود با برادر شوهرش حتی اگر از خودش کوچکتر بود ازدواج کند. (مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۶۹)

در گذشته خواستگاری یا تعیین قوانین عرفی ازدواج در میان قوم ترکمن با حضور ریش‌سفیدان طایفه برگزار می‌شد. قبل از مراسم خواستگاری اصلی، خواستگاری اولیه

صورت می‌گرفت زیرا جواب منفی پدر دختر را نوعی سرشکستگی برای خانواده داماد می‌دانستند. بعد از گرفتن جواب مثبت، خانواده پسر طی یک مراسم خاص به همراه ریش‌سفیدان برای خواستگاری اصلی به خانه دختر می‌رفتند و در آن جلسه میزان مهریه معین می‌شد و مهریه به صورت کامل توسط پدر دختر گرفته می‌شد. در این مجلس بر سر قیمت مهریه چانه می‌زدند و اگر پدر دختر قبول نمی‌کرد قیمت را بالا می‌بردند. جهیزیه اختیاری بود و پدر دختر در صورتی که مایل بود وسایلی مانند قالی و قالیچه به دخترش می‌داد. از قوانین عرفی دیگر در میان ترکمن‌ها بازگشت دختر بعد از عروسی به خانه پدر بدون حضور شوهر بود که گاهی چند سال طول می‌کشید و در این مدت نباید شوهر خود را ملاقات می‌کرد و باید برای پدرش کار می‌کرد و قالی می‌بافت.



امروزه نیز میزان معینی مهریه را در روز خواستگاری از داماد می‌گیرند با این تفاوت که دیگر این پول به پدر دختر تعلق ندارد و خانواده دختر با اضافه کردن مبلغی به آن برای دخترشان جهیزیه تهیه می‌کنند. ترکمن‌ها در حال حاضر شیربها ندارند. آداب دیگری هم در گذشته وجود داشت که امروزه دیگر اجرا نمی‌شود مانند ماندن دختر در خانه پدر بدون حضور همسر بعد از مراسم عقدکنان یا نداشتن اجازه ملاقات عروس و داماد بدون محدودیت در فاصله میان عقد و عروسی.

همچنین با تغییر نظام اقتصادی در میان ترکمن‌ها از قالی‌بافی و گلیم‌بافی به مشاغل دیگر، نقش زن نیز دگرگون شده و آنچه در گذشته معیار تعیین‌کننده‌ای در انتخاب همسر بوده، هم‌اکنون باعث تغییر در قوانین عرفی جامعه ترکمن شده است. در گذشته در میان قوم ترکمن بعضی خواستگاری رسمی را همان مراسم نامزدی تلقی می‌کردند و مراسم دیگری برگزار نمی‌کردند و اگر مراسم جداگانه‌ای برگزار می‌شد آن را مراسم «شیرینی‌خوران» می‌گفتند و در آن روز یک شقه گوسفند را با طلا و نقره می‌آراستند و نان مخصوصی می‌پختند و به خانه عروس می‌بردند، در آن مراسم یک گردنبنند به گردن عروس می‌آویختند. تفاوت ظاهری دختر و زن ترکمن هم به حلقه‌ای است که زنان ترکمن بعد از ازدواج زیر روسری خود استفاده می‌کنند.



مراسم ازدواج هم امروزه به شیوه گذشته برگزار نمی‌شود و فقط در عقدکنان می‌توان رسم و رسوم سنتی را مشاهده کرد. عقدکنان مانند گذشته در منزل داماد برگزار می‌شود؛ سفره عقد وجود ندارد، مراسم هدیه دادن نیز که در گذشته مرسوم بوده هنوز وجود دارد و به قودوبولما «qodobolmâ» معروف است و قبل از رفتن عروس در خانه پدر عروس برگزار می‌شود و همه هدایای خود را در این مراسم به عروس می‌دهند. ترکمن‌ها مانند گذشته دیگر مراسمی با عنوان حنابندان ندارند و مراسم را هم اغلب در

تالار برگزار می‌کنند؛ عروس به آرایشگاه می‌رود و لباس عروس با تور سفید می‌پوشد. در پایان مراسم عروسی هم موقع سوار شدن عروس به ماشین تزیین شده و رفتن به خانه داماد مانند گذشته آرد سفید به ماشین عروس و داماد می‌پاشند.

### جمع‌بندی

هر دو قوم عرب و ترکمن نسبت به گذشته خود تغییر کرده‌اند و این تغییر در میان آنان به یک سمت حرکت کرده است و می‌توان نوعی تنوع‌زدایی یا یکسان‌شدگی را در میان آنان مشاهده کرد. بیشتر تنوع‌زدایی را می‌توان در شیوه برگزاری مراسم شب عروسی یا در واقع در شکل ظاهری مراسم مشاهده کرد.

در هر دو قوم می‌توان حرکت از ازدواج درون‌همسری به ازدواج برون‌همسری را مشاهده کرد. البته این امر در هر قوم به شکل‌های متفاوتی مشاهده می‌شود به طوری که برون‌همسری برای اعراب به معنای ازدواج عرب با عجم و در میان ترکمن‌ها به معنای ازدواج با ایل‌های مختلف ترکمن و عدم محدودیت بین ایل‌های ترکمن است و هنوز برون‌همسری به معنای ازدواج ترکمن با غیرترکمن بین این قوم متداول نشده است. بنابراین نمی‌توان میزان برون‌همسری را بین این دو قوم به شکل یکسان مشاهده کرد ولی به طور کلی میزان برون‌همسری نسبت به گذشته در هر یک از این اقوام افزایش داشته است.

در مرحله انتخاب همسر هر دو قوم به سمت کمتر کردن محدودیت برای دختران و پسران خود حرکت کرده‌اند. صحبت دخترها و پسرها بدون حضور والدین از جمله این کاهش محدودیت‌ها است.

کاهش انواع ازدواج مانند ازدواج به شیوه خون‌بس و ازدواج اجباری لویرات یا عقد با سادات قابل مشاهده است و می‌تواند دلیل دیگری برای کاهش محدودیت والدین یا گروه قومی در انتخاب همسر باشد. همچنین تغییر نقش زن نسبت به گذشته نیز باعث کاهش این نوع ازدواج‌ها شده است. تعیین میزان مهریه تقریباً از گروه ریش‌سفیدان به خانواده دختر و پسر در حال کاهش است که می‌توان علت آن را کاهش سیستم قبیله‌ای



و عشیره‌ای و کاهش نقش گروه در تعیین همسر آینده افراد دانست به طوری که حضور ریش سفیدان در مراسم علنی خواستگاری حالت تشریفاتی به خود گرفته و برای احترام‌گذاری به آنان است.

کاهش محدودیت در انتخاب همسر مخصوصاً برای دختران، کاهش رسم‌هایی که در مراسم عروسی نشان از ریاست مرد و فرمانبرداری زن در زندگی زناشویی دارد و کمرنگ شدن رسمی مانند شیربها نشان می‌دهد که مردسالاری در جامعه رو به زوال است.

حضور پر رنگ اقوام و خویشاوندان در مراحل مختلف مراسم ازدواج و مشارکت آنان در این مناسک در زمان حال و عدم کاهش نقش خانواده در این مراسم را می‌توان از دیگر عواملی برشمرد که قابل مشاهده است. این مسئله نمایانگر نقش پررنگ نهاد خانواده در زندگی افراد در این دو قوم است و می‌توان گفت با وجود نهادهای دولتی متفاوت در ایران هنوز خانواده نقش به‌سزایی در زندگی افراد دارد و نهادهای نظام دیوانسالار حاکم هنوز نتوانسته جایگزین نظام خویشاوندی در میان اقوام شود.

از دیگر تغییراتی که می‌توان در مورد این مراسم برشمرد افزایش میزان تشریفات و مخارج بیشتر این مراسم نسبت به گذشته است و بیش از آن که قوانین عرفی در میان اقوام دچار تغییر شده باشند، میزان تشریفات و ظاهر این مراسم تغییر کرده است. شاید بتوان گفت که سرعت تغییر زیرساخت‌ها و قوانین عرفی بسیار کندتر از ظواهر این مراسم در طول زمان مورد بررسی بوده است. این تغییر می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی مانند وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون و اینترنت و ماهواره) باشد که امروزه در همه نقاط ایران قابل دسترس است و نوعی یکسان‌سازی و تنوع‌زدایی ایجاد کرده است.

## منابع

۱. بشریه، حسین (۱۳۷۹) نظریه‌های فرهنگ در قرن ۲۰، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
۲. پورکاظم، حاج کاظم (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی قبایل عرب خوزستان، تهران: نشر آمه.
۳. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
۴. حقی، حیدر (۱۳۷۶) «شیوه‌های همیاری در امر ازدواج در شهرستان دلفان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۵. ریویر، کلود (۱۳۷۹) در آمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
۶. عزیزی بنی طرف، یوسف (۱۳۷۲) قبایل و عشایر عرب خوزستان، تهران: مؤلف.
۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۲) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
۸. لچت، جان (۱۳۷۷) پنجاه متفکر بزرگ معاصر از ساختارگرایی تا پسا مدرنیته، ترجمه محسن حکیمی، تهران: انتشارات خجسته.
۹. لیچ، ادموند (۱۳۵۰) لوی اشتروس، ترجمه حمید عنایت، تهران: خوارزمی.
۱۰. مقصودی، منیژه (۱۳۸۶) انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.